

ارزیابی فضای کسب و کار در ایران

نفت، انحصار، دیوانسالاری، قیمت‌های گران



گفت‌وگویی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر حمید دیهیم، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و دبیر انجمن اقتصاددانان ایران

اقتصاد ایران: با توجه به تعریف فضای کسب و کار، ارزیابی شما از فضای کسب و کار در اقتصاد ایران چیست؟

درآمدهای نفتی ایران از طریق مخارج هنگفت دولتی به اقتصاد کشور تزریق می‌شوند. این سیاست باعث افزایش بیش از حد تقاضای کل در اقتصاد ایران گردیده است. در سال‌های اخیر، حتی مخارج بودجه کل، بیشتر از محصول ناخالص داخلی (GDP) همان سال بوده است. این مسأله که یک پدیده بی‌نظیر در اقتصاد کشورهای جهان است باید اقتصاد ایران را شدیداً دگرگون کند، ولی چون عرضه کل در ایران به علل مختلف قادر به واکنش کافی نبوده است و عرضه کل نتوانسته پاسخگوی تقاضای کل باشد، واردات خارجی کالا انجام گرفته است. یعنی ضریب فزاینده مالی و رشد اقتصادی، عملاً به خارج از کشور روان گردیده است. مخارج دولت، موجب تورم می‌شوند و دولت برای مبارزه با این تورم کمک می‌کند تا کالاهای خارجی ارزان قیمت به ایران وارد شود. از طرفی، سال‌هاست که نرخ دلار نیز با توجه به تورم بالا در ایران ثابت مانده است. به این ترتیب، کالاهای خارجی به علت نرخ پایین و دامپینگ قیمت کشورهای خارجی، کاهش قیمت یافته و ارزان‌تر از کالاهای ایرانی وارد بازار گردیده‌اند.

این عمل باعث ضرردهی صنایع ایران شده و ورشکستگی بعضی از بنگاه‌ها و بیکاری کارگران را در برداشته است. لذا فضای کسب و کار با وجود درآمدهای نفتی بالا به نفع اقتصاد ایران نیست. از طرفی، واردکنندگان کالا و خدمات خارجی، سودهای هنگفتی را از قبیل درآمدهای نفتی به دست می‌آورند. بازارهای ما همیشه حالت انحصاری و شبه‌انحصاری دارد. این موضوع، توزیع درآمدها را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ایران یک کشور نفتی است که ۸۰ درصد از اقتصادش در اختیار دولت و شبه‌دولتی‌ها است. به طور کلی، در تمام دنیا، بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی، کارایی لازم را ندارند. لذا در ایران، عظمت و بزرگی دولت و مقررات موجود در آن باعث ایجاد بازارهای انحصاری و شبه‌انحصاری گردیده است. چون درآمدهای نفتی به دولت می‌رسد، دولت را هر روز بزرگتر می‌کند. از طرف دیگر، حتی صنایع نیز اکثراً اجناس تولیدی خود را به انحصارگران می‌فروشند؛ چراکه وجود این انحصارات باعث

می‌شود آنها بتوانند جنس کارخانه را به قیمت بالاتری بفروشند. کارخانجات نیز مشتاق هستند که با یک خریدار یا خریداران خاصی وارد معامله شوند، زیرا خریدار عمده است که ریسک توزیع را برعهده می‌گیرد و اگر چکی نکول شود، چک دیگری را در اختیار کارخانه می‌گذارد.

دلیل دیگر برای ایجاد انحصار، بوروکراسی‌های شدید دولتی است. برای انجام هر فعالیت اقتصادی، اجازه دولتی و مخصوصاً سازمان‌ها، دوایر و ادارات و وزارتخانه‌های دولتی لازم است. بنابراین ورود به هر صنعت، بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. باید این بوروکراسی‌ها از بین برود و هر کس برای ورود به هر حرفه و صنعتی که می‌خواهد، آزاد باشد. باید جو رقابت و آزادی تجاری به وجود آید تا انحصار و انحصارات را از بین ببرد. به طور کلی، وظیفه دولت، نظارت است نه دخالت. تجار ایرانی افراد بسیار زنده‌ای هستند که خارج از ایران فعالیت‌های جالبی انجام می‌دهند، ولی در ایران، مقررات متغیر و بخشنامه‌های متضاد، قدرت مانور آنها را می‌گیرد.

مشکل دیگر صنعت، وام‌ها است. عملاً بانک‌ها اعتبار کافی در اختیار بنگاه‌های صنعتی قرار نمی‌دهند. بنابراین بنگاه‌های صنعتی مجبورند به جای این که خود، مواد اولیه مورد نیازشان را وارد کنند، از یک واردکننده دیگری بخرند. این مسأله تقریباً ۲۰ درصد قیمت جنس را بالا می‌برد. وقتی این جنس را برای چهار ماه می‌خرد، ماهی ۳ درصد بهره به فروشنده می‌دهد. به این ترتیب، ۱۲ درصد دیگر به ۲۰ درصد اضافه می‌شود و در مجموع، نزدیک به ۴۰ درصد می‌شود. از طرفی، صنایع به پول نقد احتیاج دارند و در خیلی از موارد مجبورند چک‌های خود را نقد بکنند.

در کشورهای دیگر، معمولاً به صنایع، تسهیلات اعتباری می‌دهند. حسن تسهیلات اعتباری در این است که بنگاه هر وقت بخواهد می‌تواند از اعتبار خود استفاده کند و هر وقت هم پول در اختیار داشت، قرضی که عملاً با این روش گرفته، پس می‌دهد. ولی در ایران، بانک‌ها وام را بعد از مطالعات زیادی می‌دهند. گاهی اعطای وام، یکسال و حتی بیشتر طول می‌کشد. بنگاه صنعتی حتی اگر پول داشته باشد، قرض بانک را نمی‌دهد، زیرا اگر این قرض را بازپرداخت کند امکان گرفتن وام جدید بسیار مشکل است. مسأله دیگر، بحث نیروی انسانی است. خیلی از کارخانه‌ها مجاز نیستند که کارگران ناکارآمد خود

را جایگزین کنند و عملاً این موضوع، بهره‌وری را در کارخانه‌های ایران کاهش می‌دهد. البته اخراج کردن کارگر به زندگی او لطمه می‌زند، ولی اینها هزینه‌های اجتماعی است که دولت باید متقبل بشود نه بخش خصوصی. مثلاً در سال ۱۹۷۹، ۹۰ درصد بنگاه‌ها در چین دولتی بودند و ۶۰ درصد این بنگاه‌ها ضرر می‌دیدند. این کشور، هزینه‌های اجتماعی را بر عهده دولت قرار داد. بنابراین حتی بنگاه‌های دولتی، کارگران اضافه خود را جایگزین کرده و متعاقباً، کارایی و منفعت آنها افزایش یافت. گفتنی است، وقتی صنعتگر نتواند کارگر ناکارآمد خود را جایگزین کند، کارخانه‌ای ایجاد نمی‌شود.

اقتصاد ایران: پیش‌بینی شما از فضای کسب و کار برای سال‌های آتی چه می‌باشد؟

من فکر نمی‌کنم دولت، تغییرات اساسی در فضای کسب و کار ایجاد کند. در حال حاضر دولت می‌خواهد سهم کارخانه‌ها را در اختیار اقشار مردم قرار بدهد؛ ولی مسأله اساسی، مدیریت این کارخانه‌ها است. اشکال در بوروکراسی‌های دولتی است نه در سهام این کارخانه‌ها، بنابراین لازم است مدیریت این کارخانه‌ها خصوصی شود. به هر حال، تصور نمی‌کنم شاهد بهبود در فضای کسب و کار در آینده نزدیک باشیم.

اقتصاد ایران: اقداماتی که (الف) دولت و (ب) واحدهای صنعتی جهت بهبود فضای کسب و کار می‌توانند انجام دهند، چه می‌باشند؟

در حال حاضر، دولت گام‌هایی را مثلاً در خصوصی‌سازی بانک‌ها و بیمه‌ها انجام داده است، ولی باید آزادی تصمیمات و رفتار را نیز در این بنگاه‌ها فراهم کند، نه این که مثل بانک‌ها و بیمه‌های دولتی در مقابل آنها رفتار نماید. البته باز هم می‌گوییم که دولت باید نظارت کند.

پیشنهاد می‌کنم، علاوه بر وام دادن به بنگاه‌های صنعتی، به آنها اعتبار کافی نیز داده شده و آزادی عمل بیشتری در اختیار این بنگاه‌ها قرار گیرد.

دولت باید بستر و فضای آزادی اقتصادی را به وجود بیاورد. برای این منظور، یک برنامه جامع مورد

انتقالی در سطح متوسطی قرار دارند. طبق آخرین آمار (۲۰۰۶)، مخارج دولت برابر ۲۲/۷ درصد محصول ناخالص داخلی بوده است. بیش از ۵۰۰ شرکت دولتی تحت مالکیت دولت هستند و بیش از ۱۰۰۰ شرکت دارای مالکیت شبه دولتی می‌باشند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۵ دولت ایران ۳۱/۴ درصد از محصول ناخالص داخلی کشور را به مصرف رسانده است. این شاخص در مدت مشابه گذشته برابر ۵۹/۸ درصد بوده است که یک بهبود ۲۸/۴ درصدی را نسبت به آن سال نشان می‌دهد.

آزادی پولی: ۶۱/۳ امتیاز

قیمت‌های نسبی ناپایدار، بخش عمده‌ای از امتیاز آزادی پولی را توضیح می‌دهد. دولت ایران، کالاهایی نظیر محصولات و فرآورده‌های نفتی، برق، آب و گندم را قیمت‌گذاری می‌کند. همچنین، دولت هر سال یارانه عظیمی پرداخت کرده و قیمت کالاها و خدمات را از طریق قوانین و سرمایه‌گذاری‌های گسترده دولتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و کنترل می‌کند. بنابراین به دلیل مداخله در قیمت‌ها و قیمت‌گذاری دولتی، از امتیاز آزادی پولی ایران ۱۵ درصد بیشتر کاسته شده است.

آزادی سرمایه‌گذاری: ۱۰ امتیاز

سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های بانکداری، مخابرات و حمل و نقل ایران محدود است. ولی اخیراً دولت ایران به غیر از صنایع نظامی و امنیتی و شرکت ملی نفت ایران، مجوز فروش ۶۵ درصد سهام شرکت‌های دولتی را صادر کرده است. این در حالی است که قانون اساسی ایران به خارجی‌ها اجازه نمی‌دهد امتیاز و سهام کامل پروژه‌های نفت و گاز این کشور را در اختیار داشته باشند. ظاهراً دولت رؤسای چند بانک و مؤسسه دولتی را به دلیل حمایت از خصوصی‌سازی مرخص کرده است. ریسک‌های سیاسی و ترس درباره تحریم‌های بین‌المللی، مانع از سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در ایران می‌شود. مجلس ایران نیز با استفاده از اختیار قانونی خود مبنی بر وتوی سرمایه‌گذاری‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاران خارجی، بیشترین سهم شرکت‌ها و پروژه‌های ایرانی را تصاحب می‌کنند، تا به حال دو پروژه سرمایه‌گذاری خارجی را وتو کرده است.

آزادی مالی: ۱۰ امتیاز

نظام حاکم بر بانکداری در ایران، بانکداری بدون ربا است که در آن، دریافت و پرداخت بهره مجاز نیست. به بانک‌های خارجی در ایران اجازه فعالیت داده نمی‌شود و تنها در مناطق آزاد تجاری فعالیت می‌کنند. بخش بیمه ایران نیز توسط پنج شرکت بیمه دولتی اداره می‌شود.

البته از سال ۲۰۰۵ بدین سو، پنج شرکت بیمه خصوصی کوچک و یک شرکت بیمه خارجی، به بخش بیمه ایران اضافه شده‌اند. اما نظارت بر بخش مالی ایران ضعیف است.

خود این صنایع باید به بهره‌وری و تکنولوژی، اهمیت بیشتری بدهند.

اقتصاد ایران: با جمع‌بندی مطالب بفرمایید که نتایج و آثار بهبود فضای کسب و کار در کوتاه‌مدت و بلندمدت به چه صورت خواهد بود؟

با بهبود فضای کسب و کار، درآمد و رفاه مردم بالا می‌رود و رضایتمندی مردم افزایش پیدا می‌کند. همه اینها موجبات افزایش محصول ناخالص ملی و رشد اقتصاد را فراهم می‌کند.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

نیاز است. ما در هر قسمت مشکل داریم. مقررات موجود اکثراً ناکارآمد هستند. در بعضی از این مقررات، ماده‌هایی وجود دارد که کل مطلب را از بین می‌برد و تأثیر منفی می‌گذارند. باید یک نگرش کلی صحیح داشته باشیم. فرهنگ و اندیشه ما باید تغییر پیدا کند. باید از سرمایه‌ها، نیروی انسانی و امکانات، به بهترین نفع نگهداری و استفاده کرد تا شاهد اتلاف منابع نباشیم. از طرف دیگر، واحدهای صنعتی، بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های دولت و شرایط محیطی قرار دارند و لذا متناسب با فضایی که به وجود آمده است رفتار می‌کنند. ولی با وجود همه این موضوعات،

آزادی اقتصادی ایران در نگاه خارجی‌ها

اقتصاد غیر آزاد

با وجود اقدامات صورت گرفته در کشور جهت آزادسازی اقتصادی، سرعت آن پایین‌تر از روند جهانی بوده و لذا جایگاه کشورمان تنزل پیدا کرده است.

نتیجه ارزیابی بنیاد هریتج از آزادی اقتصاد ایران، ارایه نمره ۴۳/۸ و کسب رتبه ۱۵۱ در بین ۱۵۷ کشور جهان می‌باشد. این در حالی است که در سال گذشته، ایران با نمره ۴۳/۱ در رتبه ۱۵۰ از منظر آزادی اقتصادی قرار گرفته بود.

طبق آخرین تحقیقات و ارزشیابی بنیاد هریتج، اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۸ به میزان ۰/۷ واحد بالاتر از امتیاز سال گذشته برخوردار شده که نشان دهنده آزادی بیشتر اقتصادی کشورمان از دیدگاه این مؤسسه است. البته این در حالی است که ایران از جایگاه یکصد و پنجاهمین در سال ۲۰۰۷ به جایگاه یکصد و پنجاه و یکمین اقتصاد آزاد در سال ۲۰۰۸ افول کرده است. اقتصاد ایران تنها در یکی از ۱۰ فاکتور آزادی اقتصادی بنیاد هریتج، از امتیاز خوبی برخوردار شده است. وجود نرخ‌های مالیات بردرآمد که بالاترین آنها ۳۵ درصد می‌باشد و نرخ مالیات شرکتی ۲۵ درصد، وضعیت مالیاتی ایران را در حالت مطلوبی قرار داده است.

ولی به طور کلی، اقتصاد ایران از جهات گوناگون، آزاد نمی‌باشد. شاخص‌های ایران از لحاظ آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و رهایی از فساد، همگی پایین هستند.

آزادی محیط کسب و کار: ۵۵ امتیاز

شروع یک کسب و کار در ایران ۴۷ روز به طول می‌انجامد، در حالی که متوسط جهانی مدت زمان آغاز یک فعالیت تجاری ۴۳ روز است.

آزادی تجاری: ۵۷/۴ امتیاز

در این زمینه می‌توان به قوانین و مقررات متعدد و دست و پاگیر، پروسه گمرکی پیچیده و

ممنوعیت‌های وارداتی گسترده‌ای که منجر به کاهش ۱۵ درصدی امتیاز آزادی تجاری ایران می‌شود، اشاره کرد.

آزادی مالیاتی: ۸۱/۱ امتیاز

بالاترین نرخ مالیات بر درآمد ایران ۳۵ درصد و بالاترین نرخ مالیات شرکتی آن ۲۵ درصد می‌باشد. مالیات بر قراردادهای و مالیات فروش نیز از دیگر انواع مالیات‌های ایران هستند. در سال‌های اخیر، درآمدهای مالیاتی ایران به عنوان درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) معادل ۶ درصد بوده است.

آزادی از اقتصاد دولتی: ۸۴/۵ امتیاز

کل مخارج دولت شامل مصرف و پرداخت‌های

آزادی‌ها و بندهای اقتصادی

رتبه	شاخص	امتیاز ۲۰۰۷	امتیاز ۲۰۰۸
۱	آزادی کسب و کار	۵۴/۹	۵۵/۰
۲	آزادی تجاری	۵۰/۴	۵۷/۴
۳	آزادی مالیاتی	۸۴/۸	۸۱/۱
۴	آزادی از اقتصاد دولتی	۵۹/۸	۸۴/۵
۵	آزادی پولی	۶۱/۳	۶۱/۳
۶	آزادی سرمایه‌گذاری خارجی	۱۰	۱۰
۷	آزادی مالی	۱۰	۱۰
۸	آزادی مالکیت	۱۰	۱۰
۹	آزادی از فساد	۲۹	۲۷
۱۰	آزادی در بازار کار	۶۱/۲	۶۱/۲
	نمره کل ایران	۴۳/۱	۴۳/۸
	طبقه ایران	تحدید شده	تحدید شده
	رتبه در بین ۱۷ کشور عضو مینا	۱۶	۱۶
	رتبه در بین ۱۵۷ کشور جهان	۱۵۰	۱۵۱

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از بنیاد هریتج، ۲۰۰۸.